

امام راحل از بزرگانی است که به صراحت سخن از نقش زمان و مکان در اجتهاد داشتند. قبل از ایشان اصل بحث که گاه با تغییر موضوع، حکم متغیر می شود در کلمات بزرگان بود ولی امام راحل را پر رنگ مطرح بود. سخن اسن است آیا با تغییر زمان و مکان، مطلقاً احکام تغییر می کنند؟ برخی از روشنفکران بیمار آن را می گوید، بسیاری از احکام حدود و دیات را مربوط به عصر رسالت می دانند. این انحراف بین است، در تعارض با روایاتی که علامه مجلسی آنها را نقل و ادعای تواتر آنها را می کند. مانند: حلالٌ محمد حلال الی یوم القیامه و حرامه حرامٌ الی یوم القیامه. احکام خداوند تا روز قیامت قابل تغییر نیست؛ حلال آن حلال و حرام آن تا روز قیامت حرام است.

در جلسه گذشته متن کلام امام راحل را بیان کردیم که ایشان بحث تغییر احکام را به تغییر زمان و مکان در موضوعات مطرح می کنند. این متن فقه است چه بسا حکمی در زمانی برای موضوعی باشد و آن موضوع عوض شده باشد حکم آن هم تغییر می کند مانند حکم شطرنج، مرحوم خوانساری در جامع المدارک این مطلب را مطرح کرده اند، اگر شطرنج ابزار قمار باشد بازی با آن حرام است و اگر بازی فکری باشد ابزار بازی فکری باشد بازی با آن حرام نیست. اما اینکه بدون تغییر موضوع حکمی تغییر کند، این کلام امام راحل نیست و قابل پذیرش نیست بلکه دین عرفی است. دین عرفی اصطلاحی بین روشنفکرها است که خروجی آن حکم خداوند مدام در حال تغییر باشد. جلسه گذشته برخی روایات را نقل کردیم و در این جلسه برخی دیگر این روایات را نقل می کنیم.

از جمله روایاتی که امام معصوم علیه السلام تصریح می کند بخاطر تغییر زمان حکم تغییر می کند. درباره گوشت ذبیحه منی بعد از سه روز کسی حق ندارد آن را بخورد و در همان مکان مصرف بشود این حکم در برخی روایات نقل شده است. امام علیه السلام می فرماید این حکم با توجه به شرایط بوده است، جمعیت مردم زیاد بودند و فقر زیاد بوده است لذا معصوم علیه السلام مصلحت را در این دیده اند که تمام گوشت ذبیحه منی صرف مردم و با آن اطعام بشود و چیز از آن نماند. اگر شرایط عوض شود تعداد مردم کم و ذبیحه زیاد شود امام علیه السلام می فرماید در این شرایط اشکال ندارد گوشت را ذخیره کنند و در طول سال به تدریج گوشت آن را مصرف کنند.

وسائل الشیعة؛ ج ۱۴، ص: ۱۶۹

مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ فِي الْعِلَلِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ الْوَلِيدِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الصَّفَّارِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي نَجْرَانَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ حُمْرَانَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ: كَانَ النَّبِيُّ ص نَهَى أَنْ تُحْبَسَ لُحُومُ الْأَصَاحِيِّ فَوْقَ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ مِنْ أَجْلِ الْحَاجَةِ فَأَمَّا الْيَوْمَ فَلَا بَأْسَ بِهِ.

سند روایت

شیخ صدوق در علل الشرایع این حدیث را نقل کرده است. علل الشرایع اعم از علت های مصطلح و حکمت ها است. - بین علت و حکمت فرق است، حکم دائر مدار حکمت نیست ولی دائر مدار علت است مثلاً زن وقتی شوهر او از دینا برود عده نگه دارد حکمت عده نگه داشتن جلوگیری از اختلاط میاه است لذا اگر زن و شوهری بعد سال ها زندگی مشترک بچه دار نشدن عده نگه داشتن حکمت است لذا در این مثال باید عده نگهدارد گرچه بچه دار نشده و نمی شود چون حکمت است - محمد بن حسن بن ولید استاد شیخ صدوق است. محمد بن حسن صفار صاحب کتاب بصائر الدرجات است و هر دو ثقه و جلیل القدر است. احمد بن محمد بن عیسی تصریح به وثاقت او شده است، ثقه جلیل، کان شیخ القمیین و وجههم الذی یلقى السلطان. عبد الرحمن بن ابی نجران از اصحاب امام کاظم و امام رضا علیهم السلام. محمد بن حمران، ابو جعفر النهدی، ثقه کوفی الاصل و از اصحاب امام صادق علیه السلام است. سند روایت صحیح است چنین روایاتی از جهت سند تحفه هستند

دلالت روایت

پیامبر اکرم اجازه نداد گوشت های اذحیه بیشتر از سه روز در منی نگهداشته بشود چون نیاز به تقسیم و توزیع آنها بین فقرا بود اما امروز که دیگر فقر آن زمان و جمعیت آن زمان نیست اشکال ندارد گوشت اذحیه را نگهدارند و به تدریج توزیع کنند. از این روایت و دیگر روایات استفاده می شود خارج نکردن گوشت از منی علت حکم است لذا وقتی علت تغییر کند حکم نیز تغییر می کند. پس معلوم می شود از اختیارات حاکم بود. در عرصه اقتصاد حاکم این اختیار را دارد که در صورت احتکار دستور بدهد جنس احتکار شده از انبار محتکر بیرون آورده شود و دستور به فروش آن بدهد البته قیمت را تعیین نکند اما اگر محتکر بخواهد در قیمت گذاری فروش جنس احتکار شده اجحاف می کند و گران فروشی می کند حاکم اختیار این را دارد برای جنس احتکار شده قیمت معین کند البته به جهت اضطرار قیمت گذاری می کند.

وسائل الشیعة؛ ج ۱۴، ص: ۱۷۰

وَعَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ يَحْيَى الْعَطَّارِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ بَزِيعٍ عَنْ يُونُسَ عَنْ جَمِيلِ بْنِ دَرَّاجٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَ عَنْ حَبْسِ لُحُومِ الْأَضَاحِيِّ فَوْقَ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ بِمَنَى قَالَ لَا بَأْسَ بِذَلِكَ الْيَوْمِ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صِ إِنَّمَا نَهَى عَنْ ذَلِكَ أَوَّلًا لِأَنَّ النَّاسَ كَانُوا يَوْمِئِذٍ مَجْهُودِينَ فَأَمَّا الْيَوْمَ فَلَا بَأْسَ.

سند روایت

شیخ صدوق از احمد بن محمد بن یحیی نقل می کند، احمد بن محمد در سال ۳۵۶ از او روایت شده است لذا محدث نیمه قرن چهارم است توثیق خاصی از او نشده اما تلعبیری و ابن ابی جید از او روایت کرده اند که می تواند اماره وثاقت او باشد. محمد بن الحسین ابی الخطاب ثقة جلیل از اصحاب امام هادی و امام عسکری بوده است. محمد بن اسماعیل بن بزیع ثقة است. یونس بن عبدالرحمن چهره جنجالی است واقفیه ده هزار دینار داده تا علیه آنها سخن نگوید اما او قبول نکرد و گفت در مقابل بدعتی که ایجاد کرده اید مقابله می کنم، اما بعد از شهادت امام رضا علیه السلام ماتم برای امام بعدی چکار کنند، درباره امام جواد گفت بچه است الان باید فکری به حال امام بکنیم یعنی شخصی را برای امامت انتخاب کنیم یکی از اصحاب امام رضا یونس را کتک مفصل زد به او گفت امامت موهبت الهی است خداوند اگر بخواهد نوبت را به طفل در گهواره بدهد امام جواد علیه السلام طفل هفت یا هشت ساله است. مراد از جنجالی بودن چهره این معنی است. شاید از روی غرض این حرف خود را نزده است ولی سخن نا مربوطی است. جمیل بن دراج بردار نوح بن دارج است و از اصحاب امام صادق علیه السلام است جریان فطحی گری هفت روز او را گرفت لکن توبه گرفت از این جریان متصرف شد.

دلالت روایت مانند روایت سابق است. از این روایت می توان به نقش زمان و مکان در فقه استناد کرد.